

به نام خدا

مانیفست: دوستانِ جهان و اکوسیستم

مصطفی خمیری ده سوخته

خمری ده سوخته، مصطفی، ۱۳۶۶ -
مانیفست: دوستان جهان و اکوسیستم / مصطفی خمری ده سوخته.

مشهد: شاملو، ۱۳۹۳.

ص. ۴۸.

۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۴۸۷-۳

فیبا.

علوم طبیعی.

Q158/5/خ۸م۲ ۱۳۹۳

۵۰۰/۲

۳۴۸۷۲۴۹

مانیفست: دوستان جهان و اکوسیستم

مصطفی خمری ده سوخته

لیتوگرافی: آفاق

چاپخانه: مهر توس

چاپ اول، تابستان ۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۴۸۷-۳

انتشارات شاملو

مشهد - فیابان مینت - بین مینت ۶ و ۸ - پلاک ۱۶۴

تلفن: ۲۲۱۰۸۵۷ - همراه: ۰۹۱۵۱۱۱۵۶۰۸

مقدمه

در این مقاله کوشش شده است تا آب، باد، آتش و خاک دوست‌داران جهان و سیلاب، فاضلاب، گردباد، تندباد، مواد مذاب و منفجره دشمنان جهان تعریف شوند.

جهانی که آب دارد:

به جهانی پر از رنگ‌های آبی گفته می‌شود که این رنگ‌های آبی شامل اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها و رودهاست. این رنگ‌ها نشانگر وجود اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها و رودهاست.

آب مایه حیات است و از دیرباز هر جا آب یافت می‌شد زندگانی جریان پیدا می‌کرد.

هفتاد درصد بدن انسان‌ها را آب تشکیل می‌دهد و آب سالم برای نوشیدن و بهداشت انسان‌ها ضروری است. این امر بدیهی است که تا موقعی که آب باشد حیات هم یافت می‌شود.

این امر بدیهی است که تا موقعی که آب باشد حیات هم یافت؛ هفتاد درصد بدن انسان را آب تشکیل می‌دهد و استعمال آب سالم و بهداشتی برای انسان ضروری است.

درختان و گیاهان نیز برای رشد به آب نیاز دارند آب از طریق ریشه‌ها و ساقه‌ها به گیاه منتقل می‌شود

حیوانات هم برای نوشیدن آب به کنار رودها، دریاها و برکه‌ها می‌آیند. آب تاکنون به غیر از کره‌ی زمین در جاهای دیگر جهان یافت نشده است و به همین دلیل احتمال حیات در سایر کرات جهان ممکن نیست.

در جهان دو نوع آب شور و شیرین وجود دارد، آب‌های شیرین خوراکی هستند اما آب‌های شور برای مصارف خانگی باید ابتدا تصفیه شود. دریاچه‌های هامون تنها دریاچه‌ی آب شیرین جهان است.

از دیرباز تمدن‌های قدیمی در کنار آب‌های روان و جاری شکل گرفته‌اند، مانند تمدن بین‌النهر، مصر و ایران؛ در این تمدن‌ها سیستم توزیع آب بر عهده‌ی حکومت‌ها بوده‌است و حکومت‌ها آب را میان کشاورزان و دامداران تقسیم می‌کرده‌اند.

یکی از راه‌های رفت و آمد بشر رودها و دریاها و اقیانوس‌ها است که محل تردد کشتی‌ها، قایق‌ها و اقیانوس پیماها بوده است.

فرمول شیمی آب H_2O است که عبارتست از دو مولکول هیدروژن و یک مولکول اکسیژن. آب به صورت برف و باران هم باریده می‌شود سیستم تولید باران و برف به این گونه است که با تابش نور خورشید بر سطح آب‌ها، آب بخار شده و به آسمان می‌رود و سپس به دلیل سرمای بالای جو به صورت قطرات باران یا برف بر سطح زمین می‌بارد. آب به سه صورت جامد، مایع و گاز یافت می‌شود آب‌های جامد یخ‌ها هستند که سطح قطب جنوب و

قطب شمال را پوشانده‌اند آب‌های در اقیانوس‌ها و دریاها و رودها هستند که به مصارف نوشیدنی و بهداشت می‌رسند. آب‌های گاز هم بخارهای آب هستند. آب درصد درجه سانتیگراد به جوش می‌آید و در صفر درجه‌ی سانتیگراد یخ می‌بندد.

آب در سیستم جهان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. از دیرباز لوله‌کشی آب و انتقال و جابه‌جائی آب به صورت یک دغدغه برای بشریت وجود داشته است و نظام توزیع آب در این بخش معنای جدیدی به خود گرفته است. سیستم توزیع آب به دو بخش اداری و بخش کشاورزی و دامداری بخش اداری بیشتر و همیشه به پادشاهان سپرده می‌شده است ریور کراسی آب دغدغه همیشگی کشاورزان و دامداران بوده است.

نقطه قوت این تقسیم‌بندی اینجاست که اداری شدن سیستم آب بر روی آب‌های سالم تاکید می‌کند و تقسیم‌بندی جامعه را به دو سطح کسانی که آب‌های کثیف دارند و دوم سطح کسانی که آب‌های سالم دارند بطور کلی نفی می‌کند.

دولت‌ها و حکومت‌ها و پادشاهان با وارد شدن در عرصه‌ی آب نگاهی جدید را بوجود آورده‌اند که آب سالم به همه برسد و گرنه مشروعیتشان زیر سوال می‌رود. آب برای سه طبقه‌ی پادشاهان و اشراف، مردم و طبقات زیر دست به سه معنای اقتصادی تقسیم می‌شود.

طبقات زیردست آب را گران‌بها می‌دانستند، زیرا آب توسط

پادشاهان و طبقات اشراف مورد اسراف قرار می‌گرفت و مردم عادی نیز از آب لوله‌کشی استفاده می‌کردند.

دیگر فواید و مصارف آب را اینگونه می‌توان ذکر کرد. در آزمایشگاه‌ها آب کنترل و بررسی می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از موارد جنگ‌های نظامی، جنگ‌های آبی هستند که نیروهای دریائی بر روی کشتی‌ها و قایق‌های نظامی کار می‌کنند و مرزهای دریائی را نگهبانی می‌کنند.

بعضی از این جنگ‌ها برای تصرف آب‌ها شکل گرفته‌است و بطوری منجر به تغییر مرزهای آبی شده‌است

در گذشته از نیروی جریان آب برای گرداندن آسیاب‌ها استفاده می‌شده است و امروزه برای چرخش توربین‌های آبی از کمک می‌گیرند تا برق تولید شود.

هر انسان در طول یک روز هشت لیوان آب می‌نوشد. امروزه آب از طریق لوله‌کشی و بسته‌بندی شده در اختیار ما قرار می‌گیرد. در بعضی کشورهای پیشرفته اقدام به تولید باران مصنوعی و برف مصنوعی کرده و در دبی یک شهر برفی کاملاً ساخته شده توسط صنعت وجود دارد.

آب برای شنا و تفریح نیز به‌کار برده می‌شود، در شهرها آکواریوم‌های بزرگ آبی وجود دارد که در آن‌ها ماهی‌ها را نگه می‌دارند. انسان‌ها آب را گرم می‌کنند و برای مصارفی چون چای به کار می‌برند و یا در تابستان آب‌ها را خنک نگه می‌داند تا بنوشند.

امروزه یخ‌های قطبی بر اثر گرمای هوا و سوراخ شدن لایه‌ی اوزون در حال آب شدن هستند و درست است که این امر خطری برای محیط زیست محسوب می‌شود اما تا آب در جهان هست حیات هم هست.

دفع فاضلاب و آب‌های استفاده شده بحث دیگری است که پیش رو بشر قرار دارد که از طرائق مختلف دفع می‌شود. امروزه بحث فاضلاب‌ها بحث دیگر پیش روی بشر است. فاضلاب‌ها آب‌های استفاده شده هستند که یا از طریق لوله‌کشی شهر و یا در جاده‌ها دفع می‌شوند.

مسئله آب چند مبحث را ایجاد می‌کند: اول داشتن آب و دوم نداشتن آب. وجود آب سالم و خوراکی و بهداشتی مساوی است با حیات و آب نداشتن که مساوی است با مرگ به معنای عدم دسترسی به آب سالم و خوراکی و بهداشتی است.

در بحث اداری پیشین که در مورد آن توضیح داده شد این بحث پیش می‌آید که چرا عده‌ای به معنای صاحبان آب و عده‌ای به معنای منتظران آب بوجود می‌آیند. مطمئناً با پیشرفت بشر و رسیدن به این نتیجه که خوبی و خوشی همگان به معنای سالم پیش رفتن همه چیز است نظام توزیع آب هم روز به روز عادلانه‌تر می‌شود بدین معنی که همگان بدین نتیجه خواهند رسید که عدالت در مورد آب به معنای پیشرفته‌ی تهیه و گسترده‌تر است. عدالت در زمینه‌ی آب به صورت پیشرفته‌ی آن یعنی همگان به طور مساوی

از آب بهره‌مند باشند و در این معنا عدالت به معنای آب دوست جهان است و سیلاب و فاضلاب دشمنان جهان هستند. مسئله دیگر بحث حقیقت و قداست آب است که پایه به جایگاه راستین خودش برگردد یعنی از یک پیشرفت تکنولوژی نباید روغنین شدن آب را در پی داشته باشد و از طرفی دیگر آب باید به معنای گوهر حقیقی سلامتی به جایگاه راستین خودش برگردد

بیش از اندازه درگیر دنیای تکنولوژی شدن ممکن است ما را به انحرافات در مورد آب بکشاند تا جایی که این فکر خطرناک رشد کند که به جای آب روغن بخوریم. یعنی اگر گوهر حقیقی وجود انسان‌ها همان انسان بیان شده در ادیان است پس انسانی که به اوج تعالی و پیشرفت می‌رسد هم انسانی پاک و منزّه است. گل انسان سرشته به آب پاک و مقدس است و بشر همیشه باید آب را پاک و سالم نگه دارد تا معنای تعالی و پیشرفت انسانی دچار انحرافی بچه‌گانه نشود. حال بحث پاکیزه و سالم نگه داشتن آب یک بحث مهم و حیاتی برای ما است. ما باید آب را همیشه در محیط سالم و به دور از فاضلاب نگه‌داری کنیم. پس مطمئناً انسان تأثیراتی هم از آب می‌گیرد که مهم است در این دنیای رو به تکنولوژی آب سالم و پاکیزه هم داشته باشیم.

پس عدالت در مورد آب یعنی اینکه همگان به این تصمیم برسیم که تعالی و پیشرفت همه‌ی انسان‌ها یعنی آب عادلانه

داشتن؛ زیرا آبی که با عدالت توزیع می‌شود و منظورم عدالت واقعی است بله یعنی آبی که با عدالت واقعی توزیع می‌شود مقدس‌تر است از آبی که ظالمانه توزیع می‌شود و انسان‌های آینده آن چنان پیشرفته هستند که تعالی و پیشرفت انسان را با هیچ چیز عوض نمی‌کنند؛ یعنی انسان‌های آینده آب را عادلانه توزیع خواهند کرد تا به قدامت آب لطمه‌ای وارد نشود. پس چه خوب است که ما فرصت خواندن این کتاب را غنیمت شمیریم .

جهانی که باد دارد:

بادها بشر را از گرمای پیش از اندازه‌ی هوا نجات می‌دهد. باد حاصل تغییرات جوی هوای گرم و سرد است بدین طریق که هوای گرم بالا می‌رود و هوای سرد وزیدن می‌گیرد باد سالم برای تنفس که اولین لازمه‌ی حیات بشر است ضروری است. وزش باد لابه‌لای درختان اصواتی را به گوش ما می‌رساند که یادآور حال و هوای خاص است. بادها به صورت گرد باد و تندباد وزیدن می‌گیرد و گاه خطرانی را برای بشر به بار می‌آورد. گاهی دیده شده است که بر اثر گردباد خانه‌هایی ویران شده است و با تیرهای برق افتاده است. از انرژی باد برای تولید برق استفاده می‌شود بدین طریق که با گذاشتن موانع بر سر باد توربین به چرخش می‌آید و از انرژی چرخشی به انرژی الکتریکی تبدیل می‌شود. هوای گرم و سرد زمین به شدت در گرو بادهاست. گاهی هم وزش طوفان دریاها را مواج و خطرناک می‌کند.

باد عامل حرکت و جابجایی ابرها هستند تا در نقاط مختلف موجب ریزش باران و برف شود. علاوه بر کره‌ی زمین بادهای در سایر نقاط کهکشان هم وزیدن می‌گیرند. گاهی باد توسط دستگاه‌های الکتریکی به عنوان خنک کننده تولید می‌شود که در همه جای جهان به نام کولر استفاده می‌شود. در هوا اکسیژن، نیتروژن و هیدروژن یافت می‌شود. بادهای از عوامل طبیعی تاثیرگذار بر زندگی بشر هستند یعنی اگر عوامل تاثیرگذار بر زندگی بشر را به دو دسته صنعتی و طبیعی تقسیم کنیم بادهای از جمله عوامل طبیعی تاثیرگذار بر زندگی هستند که حتی گاهی سبب جابه‌جایی انسان‌ها را در پی داشته‌اند. همانطور که گفته شد از انرژی بادهای برای تولید برق استفاده می‌شود و باد پاکترین عامل تولید انرژی در جهان است بادهای را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد اول بادهای دریائی دوم بادهای صحرائی سوم بادهای کوهستانی.

اول بادهای دریائی بادهائی هستند که در دریاها می‌وزند، این بادهای حاصل تغییرات دمائی در سطح دریاها هستند بادهای دریائی تولید کننده امواج دریا هستند و گاهی این امواج به بیش از ۱۰ متر هم می‌رسند.

دوم: بادهای صحرائی بادهائی هستند که در مناطق صحرائی می‌وزند و حاصل تغییرات دمائی در سطح صحراها می‌باشند این بادهای شکل خاصی به تپه‌های صحرائی می‌دهند که حاصل سایش تپه با باد است.

سوم: بادهای کوهستانی بادهائی هستند که در مناطق کوهستانی وجود دارند و حاصل تغییرات دمائی در سطح کوهستانها هستند این بادهای ابرها را تا پشت کوهستان می‌برند و در آنجا باران شروع به باریدن می‌کند.

جهان سالم جهانی است که بادهای سالم دارد و تا بادهای سالم داریم حیات بر روی گرمای زمین هم یافت می‌شود منظور از اینکه بادهای سالم این است که تغییرات جوی به حدی باشد که بادهای به طور نرمال بوزند. اگر بادهای سالم نباشند زندگی بشریت بر اثر گرما نابود می‌شود. بادهای از بعضی مناطق، مناطق با وزش زیاد می‌سازد و از بعضی مناطق، مناطق کم وزش می‌سازد و بدین طریق بر مناطق مختلف تأثیر می‌گذارند از طرفی دیگر بعضی‌ها وزش بادهای را دوست دارند و بعضی‌ها از وزش بادهای بدشان می‌آید. ثمره اقتصادی که بادهای برای بشریت بوجود آورده‌اند شامل همین دو مسئله بالا است اولاً استفاده از انرژی باد در توربینهای بادی دوماً تقسیم جهان به نواحی پرورزش و کم وزش. گاهاً دیده شده است که به علت طوفان و باد یک شهر تعطیل شده است سپس بدین طریق بادهای در سیاست نیز تأثیرگذار هستند. اما مسئله‌ی مهم و حیاتی همین است که بادهای جز عناصر حیاتی و مهم بشریت هستند پس این مسئله را هم به عنوان مسئله سوم می‌توان به دو مسئله بالا اضافه کرد. بادهای در هنگام حمل و نقل اندازه گرفته می‌شوند و به خصوص برای پروازهای هواپیمائی میزان وزش بادهای مهم هستند. شاید تا حالا

کسی به این مسئله فکر نکرده باشد ولی بادهای هم جزء عناصر مهم آب و باد و آتش و خاک هستند و باید دید دلیل چنین انتخابی چیست؟ بادهای معمولاً به چند شکل می‌وزند اول بادهای شمال به جنوب و دوم بادهای غرب به شرق سوم بادهای جنوب به شمال و چهارم بادهای شرق به غرب و معمولاً همراه این بادهای ابرها هم به حرکت در می‌آیند. اما اینکه بادهای کوهستانی بیشتر هستند یا بادهای صحرایی یا بادهای دریایی، مشخصاً بادهای دریایی بیشتر هستند که به خاطر موقعیت خاص دریاها، بیشتر می‌وزند. واقعاً اگر بادهای نبودند چه خطراتی متوجه بشریت می‌شد که مهم‌ترین آنها تمیز نبودن محیط تنفس بود و دوماً گرم شدن بیش از اندازه‌ی هوا. اما در این مسئله که بادهای خودشان مولد هستند و یا صرفاً حاصل تغییرات دمائی این مسئله حائز اهمیت است که باد، همان اکسیژن‌ها نیتروژن‌ها و هیدروژن‌های هوا هستند. پس بادهای زائیده‌ی اکسیژن‌ها نیتروژن‌ها و هیدروژن‌ها هستند و سپس به دلیل گرم و سرد شدن هوا وزیدن می‌گیرند سپس هر اکسیژن، نیتروژن و هیدروژنی باد است. اگر همین بادهای نبودند بشریت چطور به خودش افتخار می‌کرد که سالم‌ترین منبع تولید انرژی را داراست. بادهای تأثیراتی را در سبک معماری هم می‌گذارند که نمونه‌ی آن بادگیرهای یزد هستند اما کلاً در ساختمان همه ساختمان‌ها جهت وزش بادهای پنجره‌ها و درها هم در نظر گرفته می‌شود تا داخل خانه به درستی خنک شود و در زمستان از بادهای سرد مصون

بماند.

شاید در آینده شاهد اختراع مجتمع‌های بزرگ توربینهای بادی باشیم تا تنها مولد انرژی در جهان بادهای باشند. جهان وقتی انرژی باد دارد اسیر گرما نمی‌شود و از طرفی دیگر هم انرژی باد، جهان را برای تولید انرژی کمک می‌کند. یکی از بادهای معروف جهان بادهای ۱۲۰ روزه هستند و از دیگر بادهای همیشگی جهان بادهایی هستند که از اروپا وارد ایران می‌شوند. بادهای یکی از تسهیل کننده‌های زندگی بشر هستند که محیط تنفس را برای وی بوجود می‌آورند و علاوه بر آن موجب بارش باران و برف هستند. بادهای هم از جمله عوامل موثر بر سیاست، اقتصاد، تکنولوژی و ... هستند. بشر از انرژی باد در صنعت و غیر آن استفاده‌های گوناگونی کرده است، مانند: پرتاب باد با شدت فراوان برای جابجا کردن اشیاء مثل لوله بازکن‌ها، تلمبه کردن و پمپاژ نفت، دستگاه‌های بادکننده لاستیک و

باد میلیاردها دلار سرمایه به طور طبیعی بر جهان افزوده است و به عنوان یک رقیب اقتصادی در جهان نقش ایفا می‌کند. باد در جمله آب و باد و آتش و خاک که عناصر مهم حیات هستند از دوستان جهان است که دشمنانی مانند گردباد و تند باد برای جهان تعریف می‌کند و حالاکه بشر دست به هر اقدامی می‌زند خوب است کارهایی هم انجام دهد تا جهان بادهای سالم داشته باشد تا اسیر گردبادها و تندبادها شود. همین سونامی اخیر نکته‌ای منفی برای

جهانی که مدعی دارا بودن صنعت و تکنولوژی برتر است را بدنبال داشت. جهان به شرطی تکنولوژی و صنعت برتر دارد که باد سالم داشته باشد و دوستان جهان را به درستی بشناسد دوستان جهان عبارتند از آب، باد، آتش و خاک. پس ما وقتی جهان را طوری می‌سازیم که بادهای سالم داشته باشیم دیگر اسید تندبادها و گردبادها نمی‌وزد.

اما اینکه چکار کنیم که بادهای سالم داشته باشیم. اول از همه پاک نگه داشتن جهان است و دوم استفاده نکردن بیش از حد از وسایلی که دمای هوا را تحت تأثیرات شدید خود قرار می‌دهند. یکی از این وسایل آلاینده‌های هوا هستند و همین کارخانه‌ها و صنعت دودزائی که می‌بینیم در جهان رشد بی‌رویه دارد. ما وقتی جهانی پر از آلاینده‌های گرم کننده داریم مطمئناً گردبادها و تند بادهائی مدل سونامی هم داریم، آن‌زمان که فشارهای محیط طبیعی و محیط زیست بر روی عواملی طبیعی و زیستی می‌آید، موجب بروز حوادثی مانند سونامی می‌شود؛ ما اگر بگذاریم در جهان بادهای طبیعی بوزد دیگر شاهد گرفتاری به تند بادها و گردبادهائی مانند سونامی نمی‌شویم. درست است که سونامی یک زلزله‌ی دریائی است اما در واقع نتیجه تندبادها و گردبادهاست و شاید هم به این نکته بتوان اشاره کرد که یک زلزله‌ی دریائی چرا منجر به طوفانها و گردبادها و تندبادها می‌شود. امروزه بحث مدیریت طوفانها و بادها مطرح می‌شود و مدیریتی که کاملاً بتواند جهان را به سمتی اداره

کند که همیشه بادهای سالم داشته باشد اما اینکه این مدیریت دست چه کسانی است همیشه دست پادشاهی‌ها حکومت‌ها و دولت‌ها بوده‌است اما هیچ‌گاه تاکنون دیده نشده است که مدیریت بخواهد باد سالم برای همگان را شعار خود قرار دهد واقعاً اگر قرار است تمدن بشری به گردباد سهمگین فرو برود پس حاصل زحمات بشر چه می‌شود. ما باید جهان را درست بشناسیم تا اسیر دشمنانی چون گرد باد و... نشویم درکل جهانی که ما را سالم به پیش برد جهان پیشرفته و متعالی است.

جهانی که آتش دارد:

اختراع آتش توسط بشر یکی از مهم‌ترین اختراعات بشری محسوب می‌شود. بشر اولیه با به هم کوبیدن سنگ‌های چخماخ در کنار برگ‌های خشک آتش تولید می‌کرده است. بعدها از آتش برای ذوب فلزات استفاده می‌شده است که پایه‌گذار صنعت امروزی می‌باشد. در صنعت امروزی جهان، آتش جایگاهی ویژه پیدا کرده است.

آنجا که برای ذوب فلزات، پخت نان، جوش آوردن آب، گرمای خانه‌ها، ساخت شیشه و بلور، درست کردن غذا از آتش استفاده می‌کند. در کهکشان‌ها هم ستاره‌ها، آتش‌های سوزان هستند. خورشید هم آتشی بس عظیم است که کروی زمین و منظومه‌ی شمسی را گرم نگه می‌دارد. استفاده از انرژی خورشید یکی از دغدغه‌های قدیمی بشر است و امروزه بشر می‌تواند با استفاده از

صفحه‌های خورشیدی برق تولید کند. آتش موهبتی است که بوسیله آن خودمان را گرم می‌کنیم و اگر آتش نبود زندگی و حیات بشر معنائی نداشت پس تا آتش سالم داریم حیات هم داریم. آتش خطرانی را هم به دنبال دارد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به آتش گرفتن خانه‌ها اشاره کرد و همین بحث ما را بر آن می‌دارد تا بحث مدیریت آتش سالم را به پیش بکشیم، این مسئله مهم است که چرا آتش باید مدیریت بشود و در واقع اینکاری است که از دیرباز بشر می‌کرده است تا از سود حاصل از آتش بهره‌مند بشود. آتش در بعضی جوامع مورد احترام و پرستش هم بوده است. اما اینکه چرا آتش مورد احترام و پرستش قرار می‌گیرد جای پرسش دارد و از طرفی دیگر این هم که در یک دین آتش مورد پرستش و احترام است آنجا که می‌ترسیم ما را در آتش جهنم بسوزانند اما خیال راحت ما آنجاست که ادیان استانداردهای کافی را برای تبلیغ دارند. آتش وقتی خاموش می‌شود تبدیل به وجود بی‌خطر می‌گیرد پس به خاطر همین هم وقتی روشن است نعمات آن از لطمات آن بیشتر است. از آتش برای استریلیزه کردن هم استفاده می‌شود بدین طریق که وسیله‌ای را که می‌خواهیم استریلیزه کنیم جلوی آتش قرار می‌دهیم حال اینجا این پرسش مطرح است که خورشید کروی زمین را استریلیزه می‌کند یا نه. خورشید انرژی پاک است که برای پاک‌ی هم استفاده می‌شود. پس آتش دوست جهان است که دشمنانی چون مذاب روبروی آن قرار دارند و ما اگر آتش سالم را

درست هدایت کنیم سپس از خاموش شدن آن هم مطمئن می‌شویم و بدین طریق جهان اسیر مذاب‌ها نمی‌شود. چه برسد روزیکه انسان به اشتباه به جای آتش به سمت مذاب برود. آتش درست آتش است که مطمئنیم آنرا خاموش می‌کنیم خورشید آتشی بزرگ است که نمی‌دانیم عاقبت جهان را مذاب می‌کند یا نه. اما ناتوانی در مهار کردن خورشید امری بدیهی است.

یعنی آیا روزی می‌رسد که بشر با دستان خورشید آتش خورشید را مهار کند. منظور این نیست که آتش‌نشان‌های فضائی روی خورشید آب بریزند بلکه منظور اینست که کره‌ی زمین را چطور بسازیم تا به هر حال از انرژی وحشی خورشید نترسد این مثال مانند گذاشتن بلبرینگ زیر زمین است تا از زلزله مصون بماند.

این کارها را هم باید به پادشاهان واگذار کرد زیرا نیاز به مدیریتی قدیمی مانند مدیریت بحران دارد. آتش به چند رنگ می‌سوزد اول آبی دوم قرمز. دود حاصل از آتش خطرناک است مگر آنکه قرمز و آبی بسوزد. استفاده از آتش در صنعت به اینگونه است که فلز را دردمای بالای آتش قرار می‌گیرند بعد که فلز نرم شد آن را روی قالب‌های مورد نظر می‌ریزند و سپس می‌گذارند تا سرد شود. اما اینکه آتش کلاً خطرناک است یا سالم؟ همانطور که گفته شد آتش سالم موهبتی است که در جهان وجود دارد اما آتش خطرناک و مزاب به همان میزان دردسراور و خطرناک است. مذاب‌ها که گاه از دهانه‌ی آتشفشان‌ها بیرون می‌آیند یک شهر را می‌توانند ویران

کنند. ما باید برای جهان یک کوزه‌ی بزرگ آتش می‌ساختیم تا می‌توانستیم زندگی کنیم موهبتی که خورشید آنرا به ما هدیه کرده است اما سرانجام آن باید مدیریت شود. جهان صنعتی و تکنولوژی امروزه مدیون آتش و اختراع آتش است و اما اینکه ما چطور آتشی داشته باشیم امروزه یکی از بحث‌های اسراف مواد سوختنی در جهان است و شاید یکی از نمونه‌های بارز این اسراف عدم استفاده از انرژی پاک خورشید است. مواد سوختنی عبارتند از نفت، گاز، گازوئیل، بنزین و چوب. مواد سوختنی موادی هستند که مشتعل کردن آن‌ها سبب تولید آتش می‌شود و هر یک به نوبه‌ی خود در جایی به کار برده می‌شود. مانند: ماده سوختنی نفت در چراغ‌های خانگی و گارگاه‌های صنعتی به کار برده می‌شود.

ماده‌ی سوختنی گاز در بخاری‌ها و کارگاه‌های صنعتی به کار برده می‌شود. ماده‌ی سوختنی بنزین در ماشین‌ها و خودروها و اتومبیل‌ها به گاز برده می‌شود ولی امروزه ماده‌ی سوختنی چوب خیلی کم کاربرد دارد. امروزه بحث مواد سوختنی یکی از پر سروصداترین مسائل جهان است که آینده آن پیش‌بینی نمی‌شود که راه به کجا خواهد برد. کشورهایی که مواد سوختنی دارند کشورهائی رانتهی و کشورهای قوی هستند. کشورهای رانتهی کشورهائی هستند که نفت در آن‌ها به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد محسوب می‌شود.

در مقابل کشورهای قوی مواد سوختنی و نفت را درست مدیریت

می‌کنند. امروزه مدیریت مواد سوختنی به خصوص نفت و گاز در هر کشوری به صورت متفاوتی بروز می‌کند اما شیوه این مدیریت‌ها به فرهنگ و اقتصاد آن کشور جلوه‌های خاصی می‌بخشد. آتش محل خودش را گرم و نورانی می‌کند و ما از آتش برای گرما و نورانی شدن محیط استفاده می‌کنیم. در گذشته‌ها آتش تنها مولد نور بوده است و از مشعل‌ها برای روشن کردن خانه‌ها و معابر استفاده می‌شده است بدین طریق که ماده سوختنی را درون مشعل قرار داده و مشعل را روشن می‌کرده‌اند اما امروزه با اختراع برق، آتش به دست فراموشی سپرده شد مگر آنکه چه می‌شود در جایی آتش منبع روشنایی قرار بگیرد مثلاً کسانی که شب را در کنار ساحل می‌گذارند برای روشنایی و گرمای محیط خودشان از آتش استفاده می‌کنند. آتش در زمان ایرانیان، رومیان و هندیان از احترام خاصی برخوردار بوده است. پرسش دیگر اینکه آیا آتش و علم شناخت آتش دشوار و پیچیده است یا ساده؟ باید این نکته را بازگو کنم که آتش لازمه حیات و زندگی انسانهاست و این امر بدیهی از خورشید دانسته می‌شود زیرا روزی که خورشید سرد و خاموش شود دیگر حیات ممکن نیست و شاید حتی کسانی این پدیده را رؤیت کنند اما انسان باید به چه سطحی از تکنولوژی رسیده باشد که آن روزها را تجربه کند یعنی آیا روزی بشریت می‌تواند جایگزینی برای خورشید بسازد. پیشرفت که ثابت کرده است هیچ کاری غیر ممکن نیست پس شاید بتوان راه چاره‌ای جست و جو کرد. این واقعاً بحث

مهمی است که چرا نمی‌توان جایگزینی برای خورشید پیدا کرد تا بدینوسیله مطمئن شویم همیشه آینده‌ای خوب داریم یعنی واقعاً برای بشریت دشوار است که از سرد و خاموش شدن خورشید بترسد پس با پیش‌رو گذاشتن بحث مدیریت آتش این مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد که مدیریت آتش به چه آینده‌ی گرانبهائی تبدیل می‌شود یعنی اگر از همین امروز بشر به فکر ساختن جهانی با خورشیده‌های ساخته‌ی دست انسان باشد پیروزتر است اما چگونه می‌توان به چنین تعالی و پیشرفتی می‌رسد؟ بشریت خودش روزی به پیشرفتی خواهد رسید که تمام مطالب علمی با دانشمندان را سرلوحه‌ی کار خودش قرار دهد و مطمئناً آیندگان تمام هم و غم‌شان بر این است که تمام مطالب علمی دانشمندان به سر منزل مقصد برسد و آن‌گاه بنشینند و از منظره‌ی سرد و خاموش شدن خورشید لذت ببرند.

یعنی از یک طرف سرد و خاموش شدن خورشید یک مصیبت است برای بشریت و از طرفی دیگر اگر حرفه‌ای دانشمندان سرلوحه‌ی عمل قرار بگیرد سرد و خاموش شدن خورشید شیرین و دلپذیر است. پس آتش سالم ما را در مسیر تعالی و پیشرفت قرار می‌دهد تا بدین طریق اولاً رو به مذاب نیاوریم و از طرفی دیگر جهان را ابدی می‌سازیم.

جهانی که خاک دارد:

خشکی‌های سطح جهان را خاک‌ها و سنگ‌ها تشکیل می‌دهد و خاک‌ها محل رشد و نمو گیاهان هستند بدین طریق که دانه را درون خاک قرار می‌دهند و خاک باعث رشد گیاهان درختان می‌شود. خاک سالم بستر مناسب‌تری برای رشد گیاهان و درختان است پس چرا ما به بحث خاک سالم نپردازیم. خاک در جمله‌ی آب و باد و آتش و خاک از عناصر مهم و حیاتی جهان نامیده می‌شود پس ضرورت دارد ما به این بحث بپردازیم که چرا خاک چنین رتبه‌ای می‌گیرد. داشتن خاک برای ساختمان‌سازی و کشاورزی از بحث‌های دیرین بشر است و هر کس به میزان سرمایه‌ای که داشته است از خاک بهره‌مند بوده است. پس داشتن خاک سرمایه‌ای است که همگان باید از آن دارا باشند.

خاک هم از عناصر مهم و حیاتی آب و باد و آتش و خاک است امروزه از خاک‌های مختلف در ساختمان‌سازی‌ها استفاده می‌شود و مطمئناً ساختمانی که خاک مرغوبتری داشته باشد محکم‌تر و بهتر است از ساختمانی که خاک ضعیفتری دارد. از خاک در مجسمه‌سازی و ساختن کوزه‌های گلی استفاده می‌شود که هر یک به نوبه‌ی خود اقتصادی کلان دارند. خاک در بخش کشاورزی و صنعتی قابل بررسی است. خاک در بخش کشاورزی نقش کلیدی و بسیار مهمی ایفا می‌کند اما هر خاکی مناسب هر نوع محصولی نیست. پس تنوع خاک‌هاست که تنوع محصولات کشاورزی را در پی

داشته است. خاک در بخش صنعت به طور مهم و ویژه آن عبارتست از کاربردهای خاک در ساختمان‌سازی و دفن کردن پسماندها و فاضلابها در زیر خاک‌ها.

گاهی به خاک‌های کشاورزی برای مرغوب شدن محصول کود هم اضافه می‌کنند. خاک‌های گرانبها خاک‌هایی هستند که بهترین محصولات را به بار بیاورند. داشتن زمین کشاورزی یکی از بحث‌های مهم پیش روی بشر است. بشر از دیرباز سر داشتن زمین کشاورزی رقابت می‌کرده است و زمین‌های کنار آب مال کشاورزان بزرگ بوده است. بخش مهم کشاورزی به همین کشاورزان بزرگ سپرده می‌شده است. کشاورزی که امروزه سهم بی‌نهایتی در اقتصاد جهان دارد مرهون خاک است پس جهان که خاک سالم دارد جهانی است که کشاورزی دارد و تا خاک سالم داریم حیات هم داریم. محصولات کشاورزی عبارتند از صیفی‌جات، مرکبات صیفی جات مانند سبزی و پیاز و مرکبات مانند پرتقال و لیموشیرین.

خاک هر کشوری عبارتست از مرزهائی خاکی که به دور هر سرزمین است. کشورها برای صیانت از خاکشان تلاش می‌کنند و ارتشها نیروی زمینی دارند. خاک هر کشوری و مرغوبیت خاک هر کشوری بیانگر ثروت آن کشور است. وسعت خاک هر کشوری از جمله عوامل قدرت کشورها محسوب می‌شود. کشورها از لحاظ سرزمینی به دو دسته کشورهای بزرگ و کشورهای کوچک تقسیم می‌شوند. کشورهای بزرگ کشورهائی هستند که خاک بیشتری

دارند و کشورهای کوچک کشورهائی هستند که خاک کمتری دارند. کشورهای بزرگ به تبع پیشرفت بهتری از کشورهای کوچک دارند آنجا که می‌توانند در خاکشان فعالیت‌های بزرگتری انجام بدهند. خاک‌ها اولاً در بیابانها و صحراها هستند دوماً در کوهستان‌ها و تپه‌ها هستند و سوماً در زیر دریاها می‌باشند. در بیابان‌ها و صحراها خاک‌ها بوسیلهٔ باده‌ها جابجا می‌شوند. امروزه از خاک‌ها برای مجسمه‌های خاکی هم استفاده می‌شود این مجسمه‌ها فقط از خاک درست می‌شوند و هیچ منبع دیگری ندارند.

خاک سالم و پاک برای جهان نیازی ضروری است چون انسان‌ها خاکی هستند. تعالی و پیشرفت جهان موقعی میسر می‌شود که ما خاک سالم و پاک داشته باشیم. خاک‌ها از جمله عوامل پاک کننده هم هستند و در منابع اسلامی از خاک به عنوان یکی از پاک کننده‌ها یاد شده است و اما اینکه تعالی و پیشرفت انسانها به خاک وابسته است همین است که می‌بینیم در جهان مواد منفجره هم وجود دارد. یعنی خاک‌ها دوستان جهان هستند و مواد منفجره جزء دشمنان جهان می‌باشند. این مواد بسیار خطرناک بوده و روزانه جان چند نفر را می‌گیرد بنابراین بی‌هیجان بودن، خاکی بودن نباید ما را به سمت مواد منفجره بکشد. تنوع محصولات میوه به تنوع خاک‌ها مربوط می‌شود. خاکی که دچار دگرگونی نشده باشد خاک سالمی است دگرگونی خاک به معنای دگرگونی تمدن بشری محسوب می‌شود بشری که این مسیر طولانی را در کنار خاک‌های

دست نخورده طی کرده است نباید امروزه با این تفکر که جهان صنعتی است خاک‌ها را دگرگون کند زیرا خاک در یک اکوسیستم نقش مهم و حیاتی ایفا می‌کند.

دگرگونی در خاکها موجب می‌شود که جهان اسیر مرداب‌ها و مواد منفجره بشود. خاک از عناصر مهم و حیاتی جهان است که صورت دست نخورده‌ی آن خواستنی است اما استفاده‌های دگرگون کننده از آن عواقب بدی را بدنبال خواهد استفاده از خاک باید مدیریت شود تا انواع مختلف خاک به اشخاصی سپرده شود که آنرا به سر منزل مقصود برساند در عصر حاضر مدیریت خاک به نحو مطلوبی صورت نمی‌گیرد و بشریت با اتکا به همین جملات عرضی که آب و باد و آتش و خاک جزء عناصر مهم و حیاتی می‌باشند تاکنون به پیش آمده است اما امروزه ترس از این هست که با این عناصر به صورت بچه‌گانه رفتار بشود مثلاً گاه دیده می‌شود که انسان‌ها به صورت بچه‌گانه می‌گویند که جهان تمام شده است و همه چیز را خراب کنیم اما پای این جملات نباید به عالم عناصر مهم و حیاتی کشیده بشود. تلاش بر همینست که این عناصر مهم و حیاتی را مورد بررسی و معرفی قرار گیرد. در تنوع خاک‌ها نباید دید آب را چقدر جذب می‌کند. یعنی هر مقدار که خاک آب را جذب می‌کند بسته به نوع مرغوبیت خاک است. خاک و قابلیت‌های خاک، ما را بر آن داشته است که کشاورزی کنیم پس اگر همیشه بخواهیم کشاورزی سالم داشته باشیم باید خاک سالم داشته باشیم.

مواد تشکیل دهنده‌ی خاک‌ها عبارتست از مواد سخت و موجودات زنده در خاک‌ها که قبل از همه ریشه‌ی گیاهان، باکتری‌ها، قارچ‌ها، کرم‌ها و حلزون‌ها در آن شرکت دارند. سوماً آب موجود در خاک‌ها که از باران و آب‌های نفوذی، آب جذب شده و آب‌های زیرزمین تشکیل شده است.

چهارماً هوای موجود در خاک‌ها؛ هوا همراه با آب در خاک وجود دارند که البته این هوا از ضروریات رشد و نمو گیاهان و ادامه‌ی حیات حیوانات می‌باشد. مقدار هوای خاک به مقدار آب بستگی دارد. تقسیم‌بندی خاک‌ها از لحاظ سنگ‌های تشکیل شده عبارتست از خاک رسی، خاک، خاک ماسه‌ای و خاک‌های اسکلتی. خاک‌ها به دو دسته‌ی درشت دانه و ریز دانه تقسیم می‌شوند. از خاک‌ها در راه‌سازی‌ها هم استفاده می‌شود بنابراین خاک‌ها در سه صنعت کشاورزی، راه‌سازی و ساختمان‌سازی مورد بررسی قرار می‌گیرند آینده‌ی کشاورزی، راه‌سازی و ساختمان‌سازی به مطالعه‌ی تمام منابع در این زمینه‌ها مربوط می‌شود. امروزه اقتصاد بی‌نهایت کشاورزی، راه‌سازی و ساختمان‌سازی اقتصادی کمی نیست که بخواهیم در مورد آن ساعت‌ها حرف بزنیم پس همانطور که گذشت دانستیم چه راهکارها و روش‌هایی برای داشتن خاک سالم پیش‌روی ما قرار می‌گیرد. خاک بدین طریق تاثیرات شگرفی در عرصه سیاست، اقتصاد، مدیریت، صنعت و تکنولوژی گذارده است و حال وظیفه‌ی ماست که خاک سالم داشته باشیم.

اگر آیندگان ما می‌خواهند خاک سالم داشته باشند باید خاک به نحوی توزیع شود که هر کس خاکی را داشته باشد که بتواند آنرا به سلامت نگه دارد. پس کلاً استفاده از خاک به عبارتی استفاده در کشاورزی، راه سازی، ساختمان سازی، مجسمه سازی، کوزه گری ست که هر یک از اینها خود اقتصادی کلان دارد. ما باید متخصصان هر حوزه از حوزه‌های بالا را بشناسیم و از هر متخصصی مسئولیت خاک را در همان حوزه بخواهیم. تعالی و پیشرفت انسان‌ها در کنار خاک سالم شکل می‌گیرد و مطمئناً آیندگان ما نیاز به خاک خواهند داشت.

فلسفه سفید: فلسفه‌ی سفید یعنی فلسفه‌ای که ما را و ذهن ما را به داشتن جهان همراه با آب سالم، خاک سالم، آتش سالم و باد سالم رهنمون کند فلسفه‌ی سفید چالش‌هایی را در بر می‌گیرد که منتها به داشتن جهانی سالم بشود. وظیفه‌ی فلسفه در قبال آب و باد و آتش و خاک اینست که اینها را درست بشناسد .

واژه‌های آب و باد و آتش و خاک باید وارد فلسفه شود. فلسفه‌ی آب و باد و آتش و خاک اینست که ما عناصر مهم و حیاتی جهان را بشناسیم.

فلسفه یعنی پرداختن به تمام جنبه‌های ذهنی جهان و فلسفه‌ی آب و باد و آتش و خاک یعنی پرداختن به تمام جنبه‌های ذهنی آب و باد و آتش و خاک. فلسفه مانند یک موتور تولیدکننده‌ی ذهنی است تا مصرف‌کننده‌ی ذهنی خودش را به محصول ذهنی مورد نظر

برساند پس اگر فلسفه وظیفه‌ی خودش را درست انجام بدهد مصرف‌کنندگان را به کام سیرابی می‌کشانند پس فلسفه موتور تولیدکننده‌ی ذهن است تا جایی که هیچ جای ابهامی در جهان باقی نماند حال فلسفه‌ی سفید یعنی ما آنقدر ذهن درباره آب و آتش و باد و خاک تولید بکنیم تا هیچ سوالی در این باره پیش روی تشنگان فلسفه‌ی آب و باد و آتش و خاک قرار نگیرد فلسفه‌ی سفید دوست جهان می‌باشد.

فلسفه‌ی سفید مطمئناً باید شامل مواردی بشود که سفید بدون آن برای منظوری باشد و سفید بدون آب و باد و آتش و خاک برای منظوری دگر است. آب و باد و آتش و خاک جمله‌ی قدیمی که از نیاکان ما رسیده است و اهمیت این ۴ عنصر هم حیاتی را به ما نشان می‌دهد. جهان با آب و باد و آتش و خاک تا اکنون به پیش آمده است و ما تا روزی که آب و باد و آتش و خاک داریم حیات داریم. این چها عنصر فرشته و حوری هستند یعنی در کنار هم فرشته و حوری هستند و جهانی بهشتی را تقدیم ما می‌کنند. بشریت تا روزیکه زنده است با آب و باد و آتش و خاک سروکار دارد. در این نوشتار سعی شده است مباحث این عناصر چهارگانه بطور کامل بسط داده شده است تا سوالی در ذهن خواننده باقی نماند. شاید ما اینجا بگوئیم که دانش سراسر از تولید علم است پس فلسفه به چه کار می‌آید.

درست است که تمامی علوم ما را به شناخت‌ها و معرفت‌ها

می‌کشاند اما این وظیفه‌ی فلسفه است که به تمام جنبه‌های ذهنی مسائل پردازد ما در فلسفه می‌کوشیم تا تمام ذهنیات را وارد شاخه‌های دیگر علم بکنیم پس کلماتی که در فلسفه داریم کلماتی ثقیل‌تر است از کلماتی که در سایر شاخه‌های علوم می‌بینیم زیرا این کلمات پرپر وبال فلسفه است که زیر شاخه‌های فراوانی پیدا می‌کند و کلمات فلسفی آنچنان عمیق است که در اعماق آن همه دانشها یافت می‌شود. پیروزی فلسفه هنگامی فرا می‌رسد که به تمام ذهنیات پرداخته باشد. تمام ذهنیات یعنی تمام دانش‌ها به اضافه تمام گوشه‌های بکر جهان علم.

گوشه‌های بکر فراوانی در جهان علم وجود دارد که فلسفه باید بدانها پردازد. خوبی فلسفه بر همینست که تحقیقات خودش را پیرامون همه چیز انجام بدهد. یعنی مانند یک سازمان اطلاعاتی است که همه چیز را می‌داند و پیروزی فلسفه هنگامی است که آن چنان به همه چیز پرداخته باشد و جامعه‌ای پر از دوستان دانش گردآور که ما دیگری نیازی به سازمانهای اطلاعاتی نداشته باشیم. حال تلاش براینست که همه چیز را درباره‌ی آب و باد و آتش و خاک بدانیم و آن چنان جامعه‌ای دانشمند در این باره رشد کند که خودش تبدیل به سازمان آب و باد و آتش و خاک بشود. یعنی باید آن چنان تلاش فلسفی در جهت دانش آب و باد و آتش و خاک شود که پا را از حیطةی فلسفه فراتر گذارده و منجر به تأسیس سازمانی آب و باد و آتش و خاک بشود اولین حرف من در این باره این است

که ما هر جور که دلمان بخواهد نباید به آب و باد و آتش و خاک دست بزنیم، بله یعنی سازمانی می‌خواهیم که پلیس آب و باد و آتش و خاک باشد و نه تنها این عرصه باشد بلکه این عرصه را مدیریت کند. سیاستمداران باید با خواندن این کتاب متوجه این امر مهم و حیاتی بشوند که چهار عنصر مهم و حیاتی آب و باد و آتش و خاک نیاز به سازمانی دارد که قدرت داشته باشد. اقتصاددانان باید بدانند که اقتصاد آب و باد و آتش و خاک اقتصاد عظیمی است که باید تبدیل به احسن بشود. فلاسفه باید بدانند که نکات ذهنی فراوانی پیرامون آب و باد و آتش و خاک وجود دارد که پرداختن به تمام آن وظیفه‌ی فلاسفه است قدرتی که از آب و باد و آتش و خاک نصیب دلتمردان می‌شود همان سازمانی است که تأسیس می‌کنند ولی اینکه چرا چنین قدرتی به دست می‌آید در واقع قدرتی است که چهار عنصر مهم و حیاتی آب و باد و آتش و خاک دارند. سرمایه‌ای که از چهار عنصر مهم و حیاتی آب و باد و آتش و خاک نصیب بشریت می‌شود آن چنان سرمایه‌ی عظیمی است که نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد. دانشی که آب و باد و آتش و خاک نصیب ما می‌کند دانش فوق العاده مهمی است که برای تمام نسل‌های بشر ضروری است. ما باید تمام جهان را بسازیم و هنگام ساختن جهان متوجه چهار عنصر مهم و حیاتی آب و باد و آتش و خاک باشیم تا به یکباره مانند کودکان در چاه جهان نیفتیم.

آب و باد و آتش و خاک آن‌چنان سالم و بهداشتی هستند که

می‌توانند جایگزین بسیاری از منابع بشوند یعنی به جای آنکه برویم و به منابع کثیف رسیدگی کنیم باید به منابع پاک مانند آب و باد و آتش و خاک بپردازیم. باید آنقدر به دنبال دانش آب و باد و آتش و خاک برویم تا مسئله برایمان جابیفند که سلامت جهان در گرو عناصر مهم و حیاتی آن است.

آب و باد و آتش و خاک فی نفسه تمیز و بهشتی هستند و ما باید از این عرصه‌ی بهشتی پیروز و سربلند بیرون بیائیم زیرا که گرداب‌ها و گردبادها و مذاب و مواد منفجره حقیقی است که ما باید از خطرات آنها بترسیم.

پس رسالت ما اینست که وقتی جهان بهشتی تحویل می‌گیریم جهان بهشتی تحویل بدهیم و متوجه خطراتی که برای جهان پیش می‌آید باشیم.

پس چرا با نهادهای بحران دعوا کنیم که سیل رخ می‌دهد در حالی که سیل صورت بد آب است. ما برای آنکه گرفتار چنین دعوایی نشویم باید سازمان آب و باد و آتش و خاک داشته باشیم. باید به سوی ساختن جهانی سفید پیش رفت و باید جهانی سفید ساخت و آب و باد و آتش و خاک سفید هستند و نباید به صورت‌های زشت آن‌ها توجه کرد و از آن مهمتر نباید صورت‌های زشت آنرا تغییر داد. آب و باد و آتش و خاک فی نفسه سفید هستند. آب برای سلامتی و بهداشت و نوشیدن است. باد برای جریان هوای سالم است. آتش برای پخت و پز و گرم نگه داشتن

خانه‌هاست.

خاک برای کشاورزی و ساختمان‌سازی است. قدر این نعمات را باید دانست و تلاش کرد تا نسل‌های آینده هم از این‌ها بهره‌مند شوند. سازمان سفید آب و باد و آتش و خاک باید تلاش کند تا همگان از این چهار عنصر مهم و حیاتی بهره‌مند باشند. بهره‌مند بودن همه از این چهار عنصر مهم و حیاتی به معنای شادی همگان است. امروزه با گسترش جمعیت جهان و رسیدن جمعیت بشر به هفت میلیارد نفر یا تقسیم این عناصر مهم و حیاتی می‌توانیم از سردرگمی هنگفتی نجات پیدا کنیم و علاوه بر این باید متوجه باشیم که سایر موجودات هم باید از این عناصر مهم و حیاتی بهره‌مند باشند اما این که جهان ما هنوز حیوانات وحشی دارد و این‌ها هم باید از چهرهٔ جهان پاک شوند.

سیاست سفید:

سیاست سفید یعنی سیاستی که در جهت آب و باد و آتش و خاک فعالیت می‌کند. سیاست سفید قدرت را به دست کسانی می‌دهد که آب سالم، خاک سالم، آتش سالم و باد سالم را به دست مردم برسانند. سیاست یعنی چگونه رفتار کردند در محیط‌های رسمی. این رفتار شامل ورود و خروج صحبت کردن و نشست و برخاست کردن در محیط‌های رسمی می‌شود یعنی هر محیط رسمی محیط سیاسی است و روزیکه همهٔ محیط‌ها رسمی می‌شوند تمام شهروندان سیاسی هستند. در واقع این محیط‌های رسمی

هستند که به قدرت معنای چگونگی می‌دهند. رفتارهای رسمی در دو سطح کیفی و کمی قابل بررسی هستند.

رفتارهای رسمی کمی یعنی تعداد و ساعت حضور در محیط رسمی و رفتارهای رسمی کیفی یعنی محتوای حضور در محیط‌های رسمی. رفتارهای کمی رسمی برای کسانی معنا دارد که فرصت حضور در محیط‌های رسمی را ندارند و رفتارهای کیفی رسمی شامل کسانی می‌شود که از حضور در محیط‌های رسمی بالاترند. مطمئناً کسانی که از لحاظ کیفی در محیط‌های رسمی حاضر می‌شوند قدرت بیشتری دارند این قدرت عبارتست از لیاقت‌های شخصی، سطح سواد و رانت و مطمئناً کسی از دو ویژگی اول یعنی لیاقت شخص و سواد کافی برخوردار باشد رانت برای او معنائی ندارد. ما در سیاست به مباحث زیادی چون حرکت‌های اجتماعی، جنگ‌ها و دیپلماسی می‌پردازیم اما سیاست سفید تمام نگاه خودش را معطوف به نگهبانی و حراست از عناصر مهم و حیاتی جهان می‌داند. عناصر مهم و حیاتی جهان می‌توانند بحث خودشان را به جای بحث نفت و انرژی به عرصه‌ی سیاست بکشانند. نگاه سیاسی به نفت و انرژی بی‌شک ناظر را به جنگ‌ها می‌کشانند اما نگاه سیاسی به آب و باد و آتش و خاک جهانی سفید را پیش روی ناظر قرار می‌دهد. حال این‌ها باید روشن شود که قدرت با سفیدی‌ها بیشتر دوست است یا با سیاهی‌ها. منظورم این نیست که نفت سیاه است بلکه منظورم اینست که سفیدی‌ها و قدرت سفیدی‌ها کجاست.

سیاست در عرصه‌ی آب و باد و آتش و خاک باید به طور مشخص پای این عناصر مهم و حیاتی را به محیط خودش باز کند یعنی ما شاهد رفتار در محیط‌های رسمی آب و باد و آتش و خاک باشیم. محیط رسمی آب و باد و آتش و خاک محیطی است که به طور تخصصی بحث آب و باد و آتش و خاک را دنبال می‌کند.

سیاست چهره‌های فراوانی دارد ولی بهترین چهره آن سیاست سفید است در اینجا سفید زشتی‌های سیاست را می‌پوشاند. زشتی‌های سیاست چهره مکارانه‌ای است که از سیاست بدست می‌آید و این چهره‌ی مکارانه به خاطر عنوانهای پرمکری است که دورو بر سیاست وجود دارد پس سیاست برای ترمیم چهره‌ی خودش باید به سمت سیاست سفید حرکت کند. عنوان آب و باد و آتش و خاک عنوان سفیدی است که درون‌مایه‌ی عناصر مهم و حیاتی جهان است پس صیانت از درون‌مایه باید به حوزه‌ی سیاست کشانده شود آنجا که قدرت است. یعنی آب و باد و آتش و خاک می‌خواهند از قدرت سیاست برای صیانت از درون‌مایه‌ی‌شان استفاده کنند. مثلاً قدرت بعد از آنکه بحث سازمانی شدن سازمان آب و باد و آتش و خاک به پیروزی رسید باید پا را به میدان بگذارد و این امر مهم را هر چه سریعتر به متصدی ظهور می‌رساند. سپس تمامی قدرت‌هایی که خواهان قدرتمند شدن آب و باد و آتش و خاک هستند باید زیر یک پرچم گرد بیایند تا سلامت عرصه هر چه بیشتر حفظ بشود. امروزه سیاستمداران واقعی سیاستمدارانی

هستند که عناصر مهم و حیاتی جهان را بشناسند تا در تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند دچار کجی و گمراهی نشوند. سیاست فن تحصیل قدرت است و عناصر مهم و حیاتی جهان هم قدرتهای جهان هستند. جهان با همین عناصر مهم و حیاتی تبدیل به جهانی قدرتمند شده است. کسانی که رفتارهای کمی رسمی دارند باید با حضورشان در محیط‌های رسمی ثابت کنند که خواهان قدرتمند شدن عناصر مهم و حیاتی جهان هستند و کسانی که رفتارهای کیفی رسمی دارند باید عمیقاً مسائل آب و باد و آتش و خاک را دنبال کنند. در مجموع کسانی که از لحاظ کمی و کیفی پا را به محیط‌های رسمی می‌گذارند باید وظیفه‌ی خودشان بدانند که قدرت نگاه ویژه‌تری به عرصه‌ی آب و باد و آتش و خاک داشته باشد.

ورود قدرت به عرصه آب و باد و آتش و خاک برای آن مهم است که عرصه‌ای زیستی و اکوسیستمی سالم داشته باشیم. قدرت باید به وظیفه‌ی خود در قبال دوستان جهان پاسخی مناسب بدهد و گرنه قدرت با تمام قوایش وارد صحنه نشده. یعنی قدرت واقعی قدرت تمام قواست. سیاستمداران خوب قدرت واقعی دارند و باید به تمام جنبه‌های قدرت رسیدگی بکنند. قدرت وقتی پیروز می‌شود که تمام قوا در صحنه باشند و بهترین قدرتمندان آن‌هایی هستند که هنگامی که تمام قوا در صحنه است سیاست می‌چینند. پیشرفت و تعالی سیاست هنگامی بروز پیدا می‌کند که درستی چنگال سیاست

بر تمام قوا مشخص شود و اقتدار پیدا بکند.

سیاست مانند بولدزری است که تمام عرصه را با چنگال خود می‌کند و به جای بهتر منتقل می‌کند. سیاست باید در عرصه‌ی آب و باد و آتش و خاک باشد تا قدرت این عرصه به چنگال‌های غیر سیاسی نیفتد. سیاست اگر از مسیر خودش منحرف بشود قدرت به دست پلیدی‌ها و زشتی‌ها می‌افتد. مسیر درست سیاست همینست که قدرت را به دست کسانی بدهد که به آن‌ها رأی می‌دهیم پس سیاستی جذاب است که قدرت را به دست سیاستمداران بدهد. سیاستمداران قدرت می‌خواهند و سیاست وظیفه دارد قدرت‌های جدید برای آنها به ارمغان ببرد.

قدرت آب و باد و آتش و خاک تنوع جدیدی برای سیاست محسوب می‌شود چون تا اکنون به طور سیاسی به این نپرداخته است. سپس آب و باد و آتش و خاک کار دیگری که برای سیاست می‌کند همین است که برای او ارمغان آور تنوع است و سیاستمدارانی که می‌خواهند در کارشان تنوع وجود داشته باشد می‌توانند به عرصه‌ی آب و باد و آتش و خاک بپردازند و با ورود به این صحنه از قدرت آن بهره‌مند می‌شوند. سیاست رابطه‌ی مهمی با ترس دارد. آن‌جا که قدم زدن در محیط سیاست همراه با قدرت است و شهروندان سیاسی شهروندان شجاع هستند.

پس از یک طرف سیاست باید پر از قدرت شود و از طرفی شهروندان باید سیاسی بشوند. پس به همین علت تمام شهروندان

برای آنکه زودتر سیاسی شوند باید زودتر پا را به عرصه عناصر مهم و حیاتی جهان می‌گذارند. سیاست در زمینه‌ی سازمان آب و باد و آتش و خاک کاری که می‌تواند انجام بدهد اینست که با تمامی قدرت وارد این عرصه شود تا سازمان آب و باد و آتش و خاک سازمانی قوی باشد تا شهروندان علاقه پیدا کنند در محیط رسمی آن از خود رفتارهای کمی و کیفی نشان بدهند. قدرت آب و باد و آتش و خاک آنجاست که عناصر مهم و حیاتی هستند و سیاست هم می‌تواند در کنار این عناصر به رشته‌ای مهم و حیاتی تبدیل شود. تبدیل سیاست به رشته‌ای مهم و حیاتی مسئله‌ای است که تاکنون کسی به آن نپرداخته است. مهم و حیاتی بودن یک مسئله به معنای سفید بودن آن است و سیاست اگر می‌خواهد به سیاست سفید تبدیل شود باید پا را به عرصه‌ی آب و باد و آتش و خاک بگذارد. حکومت‌ها در این زمینه حقوق پیشنهاد بدهند. پس تحمیل این عرصه به حکومت‌ها باید روند خود را به خوبی ادامه بدهد. بحث دیگر این است که قدرت‌ها و حکومت‌ها و دولت‌ها فضای رسمی بسازند. محیط رسمی محیطی است که در آن محیط تمام موضوعات و مسائل به صورت رسمی است. کار یک سیاستمدار این است که هر جا قدرت هست نام او هم هست چون خود گزینه‌ی بر سر زبان‌ها بودن عین قدرت است. سپس به امید روزی که قدرت عناصر مهم و حیاتی جهان را با خود به سخت تعالی و پیشرفت حمل کند. فن سیاست از زمان ارسطو بر سر زبان‌ها افتاد آنجا که

آدم‌های ناطق در اجتماعات گردهم می‌آمدند و روز به روز ناطق بودنشان بر سیاسی بودنشان افزود. سیاست سفید پیروز است.

اقتصاد سفید: اقتصاد سفید راهکارهایی را پیش روی بشر قرار می‌دهد تا واحدهائی تولید ثروت کنند که موازی با آب سالم، باد سالم، آتش سالم و خاک سالم حرکت می‌کنند. اقتصاد سفید حواسش هست که سفید باشد. اقتصاد یعنی مجموع روشهای ریاضی که مساوی می‌شود با پیشرفت ثروت. اقتصاد دستگاههای خودش را دارد و دستگاههای اقتصادی عبارتند از حساب و کتاب، ماشین حساب، کامپیوتر و سایر دستگاههایی که به اقتصاد مربوط می‌شوند. بر کسی پوشیده نیست که آب و باد و آتش و خاک اقتصادی عظیم دارند. اقتصاد علاقه‌ای است برای جمع و جور کردن تمام حساب کتابها، اقتصاد در زمینه‌ی آب و باد و آتش و خاک کاری که می‌تواند انجام بدهد اینست که تمام حساب و کتابهای این عرصه را جمع و جور کند تا به تولید ثروت در این زمینه پردازد. ریخت و پاشهای اقتصادی یکی از زشتی‌هایی است که اقتصاد وظیفه دارد مانند پلیس آن را جمع و جور کند. اقتصاد وظیفه دارد ریخت و پاشهایی که در عرصه آب و باد و آتش و خاک هست را جمع و جور کند و به سر منزل مقصود برساند تا تولید ثروت در این عرصه به متصدی ظهور برسد. تولید آب و باد و آتش و خاک در اقتصاد بحث است که می‌خواهم به آن پردازم. اقتصاد هنگامی پیروز می‌شود که تمام موانع اقتصادی را برای

سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف از سر راه بردارد یعنی باید آنچنان به تمام مسائل اقتصادی پردازد که شاهد رشد و شکوفایی همهٔ عرصه‌ها باشد. در اقتصاد به عباراتی مانند اقتصاد کلانی، اقتصاد خرد، عرضه، تقاضا، بازار، سهام، بورس، سرمایه‌گذاری، مشتری، مصرف‌کننده و تولیدکننده برمی‌خوریم. اقتصاد کلان آب و باد و آتش و خاک یعنی حکومتها و دولتها چه برخوردهای ریاضی و کمیتی و کیفی با دنیا عرصه دارند. اقتصاد فرد آب و باد و آتش و خاک یعنی مردم به حد مقدار با این عناصر اقتصادی برخورد می‌کند.

عرضه در بحث آب و باد و آتش و خاک عبارتست از بازار جهانی که در این باره وجود دارند. تقاضا در این عرصه یعنی مشتریانی که تقاضای آب و باد و آتش و خاک دارند. بازار آب و باد و آتش و خاک هم به محل خرید و فروش این عناصر گفته می‌شود.

سهام این عرصه به معنای مقدار سهمی که سرمایه‌گذاران در این بازار دارند. بورس آب و باد و آتش و خاک بازار آزاد و مستقیمی است که این عناصر دارند. سرمایه‌گذاران در بخش آب و باد و آتش و خاک یعنی مقدار ثروتی که سرمایه‌گذاران وارد این بخش می‌کنند. مشتری آب و باد و آتش و خاک یعنی شهروندانی که تقاضای این عناصر مهم و حیاتی را دارند. مصرف‌کنندگان آب و باد و آتش و خاک شهروندانی هستند که این عناصر را مصرف می‌کنند. تولیدکنندگان آب و باد و آتش و خاک به دو دسته‌ی طبیعی و

صنعتی تقسیم می‌شود. تولیدکنندگان طبیعی آب و باد و آتش و خاک در صنعت هستند.

یک اقتصاد عناصر مهم و حیاتی یعنی اقتصادی که تمام مواد بالا را شامل می‌شود. مقدار سرمایه‌ای که در بخش آب و باد و آتش و خاک وجود دارد بسیار زیاد است اما اقتصادی شدن آب و باد و آتش و خاک بحثی است که باید به آن پرداخته شود. یک اقتصاد کامل اقتصادی است که تمام مؤلفه‌ها و موضوعات آن در یک عرصه باشند پس هنگامی که تمام مؤلفه‌ها و موضوعاتی دارد عرصه می‌شوند ما شاهد یک اقتصاد واقعی هم هستیم.

نقطه ضعفی که ادوار گذشته‌ی تاریخ دارند همین است که تمام مؤلفه‌ها در عرصه حضور ندارند. پس ما عرصه‌ی اقتصاد را می‌توانیم به دو عرصه‌ی واقعی و غیرواقعی تقسیم کنیم. عرصه اقتصادی واقعی عرصه‌ای نهایی و پیروز است که تمام مؤلفه‌ها در آن یافت می‌شود اما عرصه اقتصادی غیرواقعی عرصه‌ای است که بعضی و یا تمام مؤلفه‌ها به دلایلی در آن حضور ندارند. عرصه اقتصادی واقعی آب و باد و آتش و خاک در آینده بوجود می‌آید هنگامی که این عرصه به طور تکامل بر متصدی ظهور رسیده باشد و آن‌گاه است که تمام مؤلفه‌های آن در عرصه می‌آیند. اقتصاد آب و باد و آتش و خاک یعنی در عرصه‌ی واقعی و غیر واقعی چگونه است. ما که الان در عرصه غیر واقعی اقتصادی آب و باد و آتش و خاک هستیم نمی‌توانیم به درستی قضاوت کنیم که حجم اقتصادی واقعی این

عرصه به چه میزان است و در سایه مولفه‌ها هم به همین نحو است. بحث حجم با اقتصاد معنای موازی دارد همین اقتصاد باید بدرستی حجم را بشناسد و این در تمام زمینه‌ها صادق است. حجم آب و باد و آتش و خاک آن چنان عظیم است که بخش مهمی از جهان ما را تشکیل داده است. ما باید تشخیص درستی از حجم آب و باد و آتش و خاک داشته باشیم تا به درستی بتوانیم اقتصاد آن را بشناسیم. امروزه مشخصاً نمی‌توان گفت که اقتصاد کجاست یعنی روزی خواهد رسید که یک اقتصاد یک معنای واحد پیدا می‌کند و به صداقت می‌تواند گفت که آیا اقتصاد بازار است یا بورس است یا سرمایه‌گذاری است یا غیر علی ذلک اما این سردرگمی در اقتصاد هست که به درستی نمی‌توان گفت اقتصاد یعنی چه مانند سیاست که به درستی می‌توان در معنای آن حکومت‌ها و دولت‌ها را نشان داد. بحث اقتصاد هنوز مشخص است که در آن اقتصاد دوستی پیروز است یا اقتصاد آزاده در اقتصاد دوستی این سرمایه‌گذاری و رفتارهای اقتصادی دولت‌هاست که اقتصاد را معنا می‌بخشد اما در اقتصاد آزاد سرمایه‌گذاری و رفتارهای اقتصادی سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و بازارهای آزاد و سرمایه‌گذاران شخص به اقتصاد معنا می‌دهد.

هنوز به درستی مشخص نیست که پیوند اقتصاد آزاد با اقتصاد دولتی کجاست و ما ناچاریم مکان‌ها و جاهای متفاوتی را برای اقتصاد مثال بزنیم شاید هم اکنون بهترین مثال برای اقتصاد بازار

است. حوزه اقتصادی آب و باد و آتش و خاک حوزه‌ای جهانی است
انجا که این عناصر مهم و حیاتی جهان هستند.

اگر همگان به بحث اقتصاد آب و باد و آتش و خاک بپردازیم چه
می‌شود. آب و باد و آتش و خاکی که سالیان دراز وظیفه‌ی خود را
به درستی انجام داده‌اند و جهان را اقتصادی به بار آورده‌اند آب و باد
و آتش و خاک در دو سطح کمی و کیفی برای جهان معنا دارند.
سطح کمی آب و باد و آتش و خاک میزان آب و باد و آتش و خاک
در جهان است و سطح کیفی آب و باد و آتش و خاک امتیاز و
چگونگی آب و باد و آتش و خاک است. کمیت آب و باد و آتش و
خاک بر کسی پوشیده نیست که خیلی زیاد است اما کیفیت آب و
باد و آتش و خاک برای هر یک از عناصر چهارگانه است.

کیفیت آب بستگی دارد که شور باشد یا شیرین کیفیت آب
شیرین هم بستگی دارد که معدنی باشد یا معمولی. کیفیت باد
بستگی دارد که باد باشد یا تند باد و گرد باد. کیفیت آتش بستگی
دارد که قرمز بسوزد یا آبی. کیفیت خاک بستگی دارد که جذب
خوبی داشته باشد یا جذب بدی. پس عناصر مهم و حیاتی جهان
هم با کمیت هستند و هم با کیفیت که این برای اقتصاد مهم است.
اقتصاد باید با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت عناصر مهم و حیاتی
جهان برای این عرصه گزینه‌های اقتصادی تعیین کند.

گزینه‌های اقتصادی عبارتند از بازار، سرمایه‌گذاری، عرضه و
تقاضا، بورس، بهره‌برداری. بهره‌ای که از اقتصاد عناصر مهم و حیاتی
جهان نصیب اقتصاد می‌شود بی‌شک بهره‌ای مهم و حیاتی است. آب

و باد و آتش و خاک کالاهایی هستند که هم عرضه دارند و هم تقاضا. عرضه‌ی آب و باد و آتش و خاک به دست تولید کنندگان و تقاضای آب و باد و آتش و خاک زدست مصرف کنندگان است.

اقتصاد باید در جهت جهان مهم و حیاتی تلاش کند و دودوتا شدن‌های آنرا از پیش تخمین بزند. تعالی و پیشرفت اقتصاد هنگامی است که از هیچ حساب و کتابی نهراسد تا می‌تواند تمام حساب و کتاب‌ها را در دست انجام بدهد پس به امید روزیکه اقتصاد تمام حساب کتاب‌ها را ثبت کند.

هنر سفید:

هنر سفید هنری است که روح را تلطیف ببخشد هنر یعنی برجسته‌کردن زیبایی‌های جهان در قالب شعر، موسیقی، فیلم، کتاب، منبت، معرق، مس‌گری و مجسمه‌سازی و جهان زیبایی‌های فراوانی دارد که زیبا دوستان را به عرصه می‌کشاند و هر کس در گوشه‌های سعی بر آن دارد که این زیبایی‌ها را برجسته کند. هنر هنگامی پیروز می‌شود که همه شهروندان را به پای هنر بکشاند. هنر خودش تبلیغ است یعنی فی نفسه تبلیغاتی هم هست. اما اگر در عرصه تبلیغ هم کار بکند نور علی نور می‌شود فکرش را بکنید که هنری که فی نفسه تبلیغاتی است تبلیغ هم کند آن‌گاه چه اتفاقی می‌افتد. در هنر ذوق و سلیقه‌ی هنرمندان بسیار مهم است اما هنر سیاستی که دارد اینست که هنرمندان را هنرمند بار بیاورد. یک هنرمند واقعی هنرمندی است که فلسفه‌اش، سیاستی اقتصادش و هنرش هنری است. یک علاقه‌مند به هنر می‌خواهد هنر ببیند نه

سیاست و فلسفه و اقتصاد. سپس اگر هنر، هنر باشد علاقه‌مند اغنا می‌کند. هنر در زمینه‌ی آب و باد و آتش و خاک می‌تواند فعالیت‌های زیادی انجام بدهد. آنجا که آب و باد و آتش و خاک عین هنر هستند. جهان برای آنکه بهشتی برای همگان بشود نیازمند آنست که آب و باد و آتش و خاک در کنار هم باشند.

آب آبی است، باد بی‌رنگ است. آتش زرد و قرمز و آبی است و خاک طلائی است. هنرهای آبی هنوز در جهان وجود ندارند در حالیکه می‌توان از آب هنر ساخت.

در حالی که می‌توان از آتش هنر ساخت در حالی که می‌شود از باد هنر ساخت در حالیکه از خاک هنر ساخته می‌شود.

خاک در عرصه‌ی هنر نقش بسزائی ایفا کرده است. و در صنعت مجسمه‌سازی و کوزه‌گری کاربرد دارد و ماده‌ی اصلی این دو هنر گران‌بهاست. بهشت هنگامی حاصل می‌شود که نقش گل قالی بر عرصه‌ی جهان ظاهر بشود. آب لطافت نقش گل قالی است.

باد موج گل قالی است. آتش نقش گل قالی است و خاک زمینه‌ی گل قالی است. هنر سفید باید در این زمینه کار بکند تا بهشتی دیدنی به جهان تقدیم بکند.

هنر هر آنگاه که هنر شود می‌تواند تمام عرصه‌ها را به خودش متوجه بکند و علاوه بر آن می‌تواند هنر خودش را به رخ بکشد. آب و باد و آتش و خاک از دیرباز مدنظر هنر نمائی هنرمندان بوده است و هنر در این زمینه باید با هنرمندان خوش حسابی بکند. سرشت آدمی در گرد آب و باد و آتش و خاک است و هنرمندان می‌توانند به این مقوله پردازند.

نتیجه‌گیری:

جهان چیزهای فراوان دارد و هدف جهان این است که چیزهای فراوان داشته باشد حال بحث سر اینست که آیا جهان می‌خواهد از همه چیزها به بهترین نحو داشته باشد پس جهان دو سطح دارد. جهان اول چیزهای فراوان دارد و جهان دوم از همه چیزها به بهترین نحو دارد. جهانیان تلاش دارند تا به اهدافشان برسند انسان‌ها بالاترین اهداف را در میان جهانیان دارند امپراتوران بالاترین اهداف را در میان انسان‌ها دارند باید ببینیم آیا قله‌ی اهداف در این جهان یافت می‌شود یا نه. انسان‌ها که می‌خواهند چیزهای فراوان داشته باشند. جهان را ساخته‌اند و جهان ثابت کرده است که چیزهای فراوان برای بشریت دارد رضایت بشریت در طول ادوار مختلف ثابت کرده است که جهان جنبه‌های فراوان برای بشریت دارد. حال بحث اینجا هم هست که آیا انسان‌ها می‌خواهند چیزهای فراوان داشته باشند که هدف جهان است چون جهان که هدفی برای خودش نمی‌تواند داشته باشد پس آیا این انسان‌ها هستند که می‌خواهند چیزهای فراوان داشته باشند چون اهداف انسان‌ها بالاترین اهداف است بنابراین انسان‌ها هم به دو سطح تقسیم می‌شوند. سطح اول انسان‌هایی هستند که می‌خواهند چیزهای فراوان داشته باشند و سطح دوم انسان‌هایی هستند که می‌خواهند چیزهای فراوان به بهترین نحو داشته باشند.

جهان می‌خواهد تأییدیه خودش را از انسان‌ها بگیرد مانند یک بخاری که تلاش می‌کند از صاحبش تأییدیه بگیرد پس انسان‌ها یک جا گفته‌اند که بیایید با هم یک کلان بسازیم انسان‌ها در دو سطح

دولتی و آزاد این کلان را ساخته‌اند پس به خاطر همین جهان یا سایه محصولات متفاوت است چون سایر محصولات را با دولت‌ها ساخته‌اند یا آزاده‌ها ساخته‌اند و تنها این جهان است که آنرا هم دولت‌ها ساخته‌اند و هم آزاده‌ها ساخته‌اند.

دولت‌ها و آزاده‌ها در دو سطح طبیعی و صنعتی تلاش می‌کنند اما به یک نظام هماهنگ برمی‌خوریم که نظام جهان است پس عوامل مشترکی این وسط هست که با این همه تنوع و تفاوت به اشتراکات برمی‌خوریم. در جهان تفاوت‌ها در عین اینکه مشترکند اشتراکات هم متفاوتند. پس جهان با دگرگونی‌ها مبارزه کرده است حال این مبارزه‌ی سخت پازلین کار انسان‌ها است امری بدیهی لذا انسان‌ها جهان را برای خودشان ساخته‌اند. چه کسی شانه‌های جهان را گرفته است تا بالای گود بیاید. اینکار را حمایت اهل کرده است چون حیات وحش محکوم به نابودی است. اصلی‌ترین کاری که حیات کرده است، از حیات وحش به عنوان ترمز دستی استفاده کرده است بدین‌صورت که اول حیات وحش بیاید و ببیند زندگی خوبی دارد و سپس مهارت اهل دارد عرصه‌ی زندگی بشود. کسانی که بالاترین اهداف را در جهان دارند بزرگانی هستند که حتی اگر مالکیت جهان را به دست بیاورند همگان ابراز رضایت می‌کنند و جهان فرمول‌های فراوانی از همین بزرگان به یاد دارد. البته کسانی که بالاترین اهداف را دارند بهترین زندگی‌ها را هم دارند چون بهترین زندگی اندک چیزی است که بزرگان واقعی می‌خواهند. واقعاً چرا انسان‌ها پیروز آن جهانند. آب و باد و آتش و خاک این وسط چه کاره است. آب و باد و آتش و خاک روایتی مستند از تاریخ این جهان و اکوسیستم‌های آن هستند.

منابع:

- ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.
دانشنامه‌ی رشد.
اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، دکتر سید عبدالعلی قوام.
خداوندان اندیشه‌ی سیاسی افلاطون، ارسطو.
خداوندان اندیشه‌ی سیاسی آگوست کنت، جهان استوارت میل.
خداوندان اندیشه‌ی سیاسی آگوستین، توماس آکونیاس، ماکیاول.
خداوندان اندیشه‌ی سیاسی ماکیاول، بدن.
انقلاب اسلامی و میانی، عماد افروغ
عرفان عملی در اسلام، سید یحیی.
تفکر سیاسی امام خمینی.